219 ـ ویژگی‌های اسلام

سوال

چرا مسلمانان فکر می‌کنند دینشان حق است؟ آیا دلایل قانع کننده‌ای دارند؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

پرسنده‌ی گرامی. با عرض درود

سوال شما در وهله‌ی اول برای کسی که وارد این دین نشده منطقی به نظر می‌رسد؛ اما کسانی که این دین را در عمل پیاده کرده‌اند و به آن اعتقاد دارند، نعمتی که در آن به سر می‌برند و این سایه‌سار خنک را قدر می‌دانند. دلایل برتری این دین بسیار است از جمله:

۱ـ مسلمان تنها یک خدا را می‌پرستد و برای وی شریکی قرار نمی‌دهد؛ خدایی که دارای نام‌های نیک و صفات والا است. مسلمان تنها به سوی او رو می‌کند و به پروردگار و خالق خود اعتماد و توکل می‌کند و یاری و پیروزی و تایید را از وی خواهان می‌شود. او ایمان دارد که پروردگارش بر هر کاری تواناست و نیاز به همسر و فرزند ندارد؛ آسمان‌ها و زمین را آفریده و خود زنده می‌کند و می‌میراند و آفریننده و روزی دهنده است. بنابراین از وی روزی می‌خواهد؛ می‌داند که شنوا و پاسخگو است پس از او می‌خواهد و از وی امید استجابت دارد. می‌داند که توبه پذیر و آمرزنده است؛ پس به سوی او توبه می‌کند و اگر دچار گناه یا کوتاهی در عبادت شد از درگاهش طلب آمرزش می‌کند. می‌داند که او دانا و آگاه و شاهد است که به نیت‌ها و پنهانی‌های درون بنده آگاه است، بنابراین از انجام گناه و ستم ورزیدن به خود یا دیگران شرم می‌کند زیرا خداوند را مطلع و شاهد بر خود می‌داند. می‌داند که پروردگارش حکیم است و به نهان آگاه است؛ پس به او اعتماد نموده و به درستیِ انتخاب پروردگار و تقدیر وی اطمینان می‌کند و می‌داند که پروردگارش به او ستم نورزیده و قضای الهی همیشه به سود اوست حتی اگر حکمتش را نداند.

۲ـ آثار عبادات اسلامی بر روان انسان مسلمان. نماز رابطه‌ای است میان بنده و پروردگار که اگر با خشوع وارد آن شود احساس آرامش و اطمینان و آسایش می‌کند، زیرا به پناهگاهی محکم که الله عزوجل است پناه آورده، به همین سبب، پیامبر اسلام، محمد می‌فرمود: ما را با نماز راحت کن و اگر از مساله‌ای ناراحت می‌شد به نماز پناه می‌برد. هر کس دچار

مصیبتی شده و نماز را آزموده احساس کرده با صبر و آرامش یاری شده است، چرا که او در نماز سخن پروردگارش را می‌خواند و تاثیر خواندن سخن پروردگار با خواندن سخن مخلوقات قابل مقایسه نیست. اگر سخن برخی از روانپزشکان باعث آسایش و آرامش و کم شدن دردها می‌شود، درباره‌ی آفریدگار روانپزشکان چه می‌شود گفت؟

اگر به زکات که یکی از ارکان اسلام است نگاهی بیندازیم، خواهیم دید که باعث پاک شدن درون از بخل و حرص و طمع و عادت کردن به کرم و بخشندگی و یاری فقرا و نیازمندان می‌شود. همینطور پاداش آن مانند دیگر عبادت‌ها در روز قیامت به سود انسان است، اما با این وجود مانند مالیات‌های بشری سنگین نیست بلکه از هر ۱۰۰۰ تنها ۲۵ آن به عنوان زکات پرداخت می‌شود. مسلمان راستین این مقدار را مطیعانه پرداخت می‌کند و از آن شانه خالی نمی‌کند حتی اگر کسی او را مورد پیگرد قرار ندهد.

روزه دست کشیدن از غذا و امور جنسی به نیت عبادت الله است که باعث همدردی با گرسنگان و محرومان و یادآوری نعمت‌های خالق و اجر بی‌حساب می‌شود.

حج خانه‌ی خدا که ابراهیم علیه السلام آن را بنا نموده، اجرای امر پروردگار است که دعای آن پذیرفته شده است و از سوی دیگر باعث آشنایی با دیگر مسلمانان جهان می‌شود.

۳ـ اسلام به همه‌ی نیکی‌ها دستور داده و از همه‌ی بدی‌ها باز داشته است. این دین دستور به رعایت آداب و اخلاق نیکی مانند راستی و بردباری و عدم عجله و نرمخویی و فروتنی و حیاء و وفای به عهد و وقار و مهربانی و عدالت و شجاعت و صبر و الفت و قناعت و پاکدامنی و نیکوکاری و آسان‌گیری و امانت‌داری و سپاس‌گزاری در برابر نیکی و فرو بردن خشم و نیکی به والدین و صله‌ی رحم و یاری ستمدیدگان نیکی به همسایگان و محافظت از اموال یتیمان و رسیدگی به آنان و مهربانی در حق کوچک‌تر ها و احترام بزرگترها و نرمخویی با خدمتکاران و مهربانی با حیوانات و برداشتن آزار و اذیت از مسیر و سخن نیک و گذشت و بخشش در هنگام قدرت و خیرخواهی برای دیگر مسلمانان و برآورده کردن نیازهایشان و فرصت دادن به بدهکار و ایثار و همدردی و تبسم به روی مردم و عیادت بیمار و هدیه دادن و بزرگداشت مهمان و معاشرت زیبا با همسر و تلاش در راه خانواده و افشای سلام و اجازه گرفتن پیش از وارد شدن به خانه‌ها، داده است.

اگرچه برخی از غیر مسلمانان نیز برخی از این آداب را رعایت می‌کنند اما این را به عنوان آداب عمومی انجام می‌دهند نه به امید پاداش خداوند و خوشبختی در روز قیامت.

اگر به اموری که اسلام از آن نهی نموده نگاه کنیم خواهیم دید به نفع فرد و جامعه است و در کل همه‌ی ممنوعات به هدف حفظ رابطه‌ی بنده با پروردگار یا انسان با دیگر انسان‌ها است. برای روشن شدن مطلب چند مثال می‌آوریم:

اسلام از شرک و پرستش غیر الله و عبادت هر چیزی جز خداوند نهی کرده زیرا عبادت غیر الله فرجامش بدبختی و

نگونسازی است، و از رفتن به نزد کاهنان و پیشگوها و راستگو انگاشتن آنان نهی نموده و همچنین از سحر و جادو که باعث جدایی میان افراد یا وابسته کردن دو کس به یکدیگر می‌شود باز داشته و همینطور از اعتقاد به تاثیر ستارگان در حوادث و زندگی مردم، و دشنام دادن به زمانه را بد داشته، زیرا این الله است که زمانه را می‌چرخاند، و از نحس دانستن پدیده‌ها نهی کرده است.

اسلام همچنین نسبت به باطل شدن اعمال به واسطه‌ی ریا و خودنمایی و منت نهادن بر مردم، هشدار داده است. همینطور از خم شدن و سجده بردن به غیر الله و از نشست و برخاست با منافقان و فاسقان که به خو گرفتن با آنان منجر می‌گردد.

و از لعن و نفرین به یکدیگر.

و از ادرار کردن در آب راکد و قضای حاجت در راه مردم یا سایه‌ای که مورد استفاده‌ی آنان است و محل عبور آب و از رو کردن به قبله یا پشت کردن به آن در هنگام قضای حاجت. و از اینکه مرد در هنگام ادرار، آلت خود را با دست راست بگیرد و از سلام کردن به کسی که در حال قضای حاجت است. و از اینکه انسان پس از بیدار شدن از خواب و قبل از شستن دستانش آنان را در آب فرو برد.

و از خواندن نماز نفل در هنگام طلوع خورشید یا هنگامی که آفتاب در وسط آسمان است و همچنین هنگام غروب، زیرا شیطان در هنگام طلوع یا غروب، در میان شاخ‌های شیطان طلوع و غروب می‌کند. (زیرا خورشیدپرستان در این هنگام عبادت می‌کنند و این عبادت شیطان است).

و از خواندن نماز در حضور غذا در حال گرسنگی و از نماز در حالی که قضای حاجت به وی فشار می‌آورد، زیرا این چیزها باعث مشغول شدن فکر نمازگزار و عدم خشوع وی در نماز می‌شود.

و از بلند کردن صدا در نماز، زیرا باعث آزار مومنا می‌شود، و از ادامه‌ی نماز شب در صورت چرت زدن، بلکه مطلوب این است که بخوابد، سپس برای نماز بیدار شود، و از نماز خواندن همه‌ی شب نهی کرده به ویژه اگر پی در پی باشد.

همچنین از قطع کردن نماز به مجرد شک به بی‌وضویی نهی کرده مگر آنکه صدایی بشنود یا بویی حس کند.

و از خرید و فروش و اعلام گمشده در مساجد باز داشته زیرا مساجد محل عبادت و ذکر الله است و شایسته نیست مردم در آن به امور دنیوی مشغول گردند.

و از دویدن برای حضور در نماز جماعت نهی کرده، بلکه باید با آرامش و وقار به نماز بیاید، و از فخر فروشی و مباهات در تزیین مساجد و نقش و نگار آن به نحوی که باعث مشغول شدن نمازگزاران شود، باز داشته است.

و از وصل کردن دو روزه به هم بدون افطار، نهی کرده، و از این زن در حضور شوهرش بدون اجازه‌ی او روزه‌ی نافله

بگیرد نیز نهی کرده است.

و از ساختن بنا بر قبور یا بلند ساختن آن و یا نشستن بر قبرها و راه رفتن بر آن و چراغانی کردن قبور و نوشتن بر آن و نبش قبر و مسجد قرار دادن قبور، باز داشته است.

و از نوحه‌خوانی و دریدن لباس و پراکنده ساختن مو در هنگام مصیبت و اعلام وفات میت به شیوه‌ی جاهلیت نهی کرده است، اما مجرد رساندن خبر وفات اشکالی ندارد.

همچنین از خوردن ربا و همه‌ی انواع خرید و فروش‌هایی که شامل فروش جنس ناشناخته و فریب باشد نهی کرده است. و از فروش خون و خمر و خوک و بت و هر چیز حرام نهی کرده و پول فروش حرام را حرام گردانده و همینطور از نجش نهی کرده که بالا بردن قیمت جنس توسط کسی است که قصد خرید آن را ندارد و هدفش تنها بالا بردن قیمتِ آن است؛ همان چیزی که در بسیاری از مزایده‌ها رخ می‌دهد، و از پوشاندن عیب جنس در هنگام فروش و فروش چیزی که در تملک یا اختیار شخص نیست نهی کرده است. همچنین به هم زدن خرید و فروش برادر مسلمان و فروش میوه‌ی به ثمر نرسیده و کم کردن ترازو و پیمانه و احتکار را حرام دانسته است. و شریک را از این نهی کرده که بدون اطلاع شریکِ خود سهم خودش را بفروشد، و از خوردن اموال یتیمان و درآمد قمار و غصب دارای مردم و گرفتن و دادن رشوه و غارتگری و خوردن اموال مردم به باطل و یا امانت گرفتن آن به قصد از بین بردنش و ضایع کردن حق مردم و کتمان مال گم شده و پنهان کردن آن و انواع فریبکاری و گرفتن قرض به قصد پس ندادن، و گرفتن مال مسلمان بدون رضایت او و پذیرش هدیه برای میانجیگری، نهی کرده است.

اسلام ترک نکاح به هدف دوری از دنیا، و از بین بردن میل جنسی را حرام دانسته و همچنین ازدواج یکجا با دو خواهر یا به همسری گرفتن یک زن همراه با عمه‌اش یا یا خاله‌اش را حرام دانسته تا باعث قطع روابط آنان نشود، و از شغار نهی کرده است. شغار این است که شخصی به طرف مقابل بگوید: دختر یا خواهرت را به ازدواج من در بیاور تا من در مقابل دختر یا خواهرم را به ازدواجت بیاورم. که این کار ظلم در حق زنان و حرام است. و از ازدواج متعه (ازدواج موقت) که ازدواجی است میان دو طرف با وقت مشخص، نهی کرده است. و از نزدیکی با همسر از پشت (محل نجاست) یا در هنگام حیض؛ بلکه باید پس از پاکی با همسرش نزدیکی کند، و از خواستگاری بر خواستگاری کس دیگر نهی کرده، مگر آنکه شخص اول از خواستگاری چشم پوشی کند یا آنکه به وی اجازه دهد. و از به ازدواج در آوردن زن بیوه مگر به دستور او و به ازدواج در آوردن دختر مگر به اجازه‌اش نهی کرده است، و از کتمان جنین توسط زن مطلقه و فاش کردن اسرار زناشویی توسط مرد یا زن و تخریب زن نزد شوهر و بازیچه قرار دادن طلاق نهی کرده است و از اینکه زنی از مردی خواهان طلاق همسر یا رها کردن نامزدش شود نهی نموده و زنان را از خرج کردن اموال شوهر بدون اجازه‌ی او و یا سرباز زدن از اجابت درخواست جنسی همسر نهی کرده که اگر بدون داشتن عذر چنین کند، ملائکه تا هنگام صبح او را نفرین می‌کنند و همچنین از اینکه شخص با زن پدرش ازدواج کند یا با زنی که فرزند مرد دیگری را در شکم دارد همبستری کند، نهی نموده و مرد را از این

نهی کرده که بدون اجازه‌ی همسرش، او را عزل کند یعنی منی را در رحم او خالی نکند و او را از این باز داشته که بدون خبر همسرش به طور ناگهانی از سفر بازگردد، و یا بدون رضایت همسرش از مهریه‌ی او بردارد یا برای آنکه همسرش بخشی از مهریه یا همه‌ی آن را ببخشد، او را تحت فشار یا آزار قرار دهد.

همچنین زنا را از خودنمایی نهی کرده و از زیاده‌روی در ختنه‌ی زنان که باعث ناقص شدن آلت تناسلی آنان شود نهی کرده است، و این را حرام دانسته که زن بدون اجازه‌ی شوهرش کسی را به خانه‌اش راه دهد، اما اگر شوهرش به او اجازه‌ی کلی داده اشکالی ندارد در صورت رعایت موارد شرعی کسی را به خانه‌اش راه دهد. همچنین از جدا کردن فرزند از مادر و بی‌غیرتی و نگاه کردن به زنان نامحرم و ادامه دادن نگاهی که در آغاز ناخواسته بوده نهی کرده است.

اسلام خوردن گوشت حیوان مرده را حرام دانسته، فرقی نمی‌کند که این حیوان خفه شده یا با استفاده از برق یا سقوط از بلندی کشته شده باشد. همچنین خوردن خون و گوشت خوک و آنچه به نام غیر الله ذبح شده یا گوشتی که در کنار بت‌ها قربانی شده، نهی کرده است.

همینطور خوردن گوشت حیوانی که از نجاسات تغذیه می‌کند و همچنین نوشیدن شیر آن، و خوردن گوشت هر حیوان درنده (مانند شیر و ببر و پلنگ و گرگ و...) و هر پرنده‌ی چنگال دار و الاغ اهلی را حرام دانسته، و از کشتن همراه با زجر حیوانات نهی کرده مانند اینکه حیوان را به جایی ببندند و به سوی آن تیراندازی کنند یا آن را بدون آب و علوفه در جایی زندانی کنند تا بمیرد و از کشتن حیوان با چنگ و دندان یا ذبح کردن آن در برابر حیوانی دیگر یا تیز کردن چاقو در برابر آن، باز داشته است.

لباس و آرایش:

نهی از اسراف و زیاده‌روی در خرید لباس و از استفاده‌ی طلا برای مردان و بیرون آمدن در برابر مردم بدون لباس و بیرون بودن ران برای مردان.

نهی از بلند بودن لباس و کشیدن آن از روی تکبر و از پوشیدن لباس شهرت.

نهی از شهادت دروغین و تهمت زدن به زنان پاک دامن و بی‌گناهان و تهمت بی‌دلیل.

نهی از طعنه و اشاره‌ی چشم و ابرو و دادن القاب زشت و غیبت و سخن چینی و تمسخر مسلمانان و فخر فروشی به نسب و طعن وارد ساختن به نسب دیگران و فحش و ناسزاگویی و بی‌بند و باری و بد دهانی و سخن بد گفتن به صدای بلند مگر برای کسی که مورد ستم قرار گرفته.

نهی از دروغ که بدترین آن دروغ گفتن درباره‌ی خواب است، مانند کسی که به دروغ ادعا کند خوابی را دیده تا مقام و

منزلت یا مالی به دست آورده یا کسانی را که با او دشمن هستند بترساند.

نهی از اینکه انسان خود را پاک بداند و در گوشی حرف زدن دو نفر در جمع سه نفره که باعث ناراحتی نفر سوم می‌شود و نفرین مومن و هر کس که مستحق لعنت نیست.

نهی از بد گفتن به مردگان و نهی از درخواست مرگ از خداوند به سبب سختی‌ها و دعای بد در حق خود یا فرزندان یا خدمتکاران یا اموال خود.

و نهی از خوردن آنچه روبروی دیگران است و خوردن از وسط غذا زیرا برکت در وسط آن نازل می‌شود و نوشیدن از ظرف شکسته که ممکن است باعث زخمی شدن شخص شود و خوردن از سر ظرف و نهی از دمیدن در آب و خوردن در حال خوابیده بر شکم و نهی از حضور بر سر سفره‌ای که بر آن خمر نوشیده می‌شود.

و نهی از کشتن نا حق و نهی از کشتن فرزندان از ترس فقر و خودکشی و زنا و رابطه‌ی جنسی با هم جنس و نوشیدن خمر و تهیه و حمل و نقل و خرید و فروش آن، و نهی از خشنود ساختن مردم با خشم خداوند و نهی از نهیب زدن به پدر و مادر و حتی گفتن اف به آن‌ها و نهی از نسبت دادن فرزند به کسی جز پدر او و نهی از شکنجه [انسان و حیوان] به واسطه‌ی آتش و نهی از آتش زدن زندگان و مردگان و نهی از تکه تکه کردن اجساد مردگان و نهی از یاری رساندن باطل و همکاری در راه گناه و نهی از اطاعت افراد در معصیت خداوند و نهی از قسم دروغ و نهی از شنیدن سخن دیگران مگر به اجازه‌ی آن‌ها و نهی از نگاه کردن به پوشیده‌های مردم و نهی از ادعای چیزی که مال او نیست و نهی از تظاهر به آنچه نیست و نهی از تلاش برای ستوده شدن به آنچه انجام نداده م نهی از اطلاع یافتن بر خانه‌ی مردم بدون اجازه‌ی آنان و نهی از اسراف و ریخت و پاش و قسم به کار گناه و تجسس و سوء ظن نسبت به مردان و زنان نیکوکار و نهی از حسد ورزی و کینه‌توزی و پشت کردن به یکدیگر و زیاده‌روی در باطل و تکبر و فخرفروشی و خودپسندی و شادی از روی خودنمایی و نهی از پس گرفتن صدقه حتی با خرید آن و نهی از ندادن پاداش کارگری که کارش تمام شده و نهی از عدالت نورزیدن در بخشش به فرزندان و نهی از وصیت همه‌ی اموال و فقیر گذاشتن وارثان که اگر چنین کند به وصیتش عمل نمی‌شود مگر در یک سوم اموال او، و نهی از آزار رساندن به همسایه و نهی از زیان زدن به فرزندان در وصیت و نهی از ترک و قهر مسلمان بیش از سه روز بدون سبب شرعی، و نهی از وصیت جداگانه برای وارثان، زیرا خداوند نصیب وارثان را تعیین کرده است، و نهی از پرتاب سنگریزه به سوی همدیگر چرا که امکان آسیب زدن به دیگران را دارد و نهی از اشاره کردن به سوی مسلمان با اسلحه [سرد و گرم] و نهی از دادن شمشیر برهنه به دست دیگران زیرا ترس آسیب رساندن به طرف مقابل هست، و نهی از رد شدن از میان دو نفر مگر به اجازه‌ی آنان و نهی از رد کردن هدیه مگر آنکه مشکل شرعی داشته باشد، و نهی از دادن اموال به سفیهان و کم خردان و نهی مردان و زنان از تمنای فضیلتی که خداوند به هر یک از آن‌ها داده و نهی از باطل کردن صدقات با منت نهادن و آزار رساندن، و نهی از کتمان شهادت و نهی از خالی کردن خشم خود بر سر یتیمان و گدایان، و نهی از مداوا با دوای خبیث، زیرا خداوند شفای امت را در حرام قرار نداده، و نهی از کشتن زنان و کودکان در جنگ‌ها، و نهی از

فخر فروختن به دیگران و نهی از زیر پا نهادن وعده‌ها و نهی از خیانت در امانت و نهی از درخواست دیگران بدون نیاز، و نهی از نهی از ترساندن مسلمانان یا برداشتن چیزهای آنان به شوخی یا جدی و نهی از پس گردن هدیه مگر پدر که می‌تواند هدیه‌ای را که به فرزند خود داده پس بگیرد. و نهی از انجام پزشکی بدون داشتن مهارت، و نهی از کشتن مورچه و زنبور و شانه به سر، و نهی از نگاه کردن مردان به عورت مردان و زنان به عورت زنان، و نهی از نشستن بین دو نفر مگر به اجازه‌ی آن‌ها و نهی از سلام کردن تنها به آشنایان، بلکه شایسته است به کسانی که می‌شناسد یا نمی‌شناسد سلام کند، و نهی از قرار دادن قسم میان خود و عمل نیک، بلکه اگر قسم خورد کاری را انجام بدهد یا ندهد باید آن کاری را که بهتر است انجام دهد و کفاره‌ی قسم بدهد، و نهی از قضاوت میان دو کس در حین عصبانیت، یا رای دادن به نفع یکی از دو طرف بدون شنیدن سخن طرف دیگر، و نهی از رد شدن از وسط بازار در حالی که چیزی با خود داشته باشد که باعث آزار دیگران شود مانند ادوات برنده، و نهی از بلند کردن کسی از جایش تا به جای او بنشیند، و نهی از بلند شدن از نزد کسی مگر به اجازه‌ی او.

و دیگر اوامر و نواهی که هدف از آن، سعادت و خوشبختی انسان‌ها است؛ آیا دینی مانند این دین سراغ دارید؟ باز این سوال را از خودت بپرس و باز به پاسخ آن فکر کن، آیا حیف نیست از پیروان چنین دینی نباشی؟

الله متعال در قرآن عظیم می‌فرماید: وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الإِسْلامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الآخِرَةِ مِنْ الْخَاسِرِينَ [آل عمران/ ۸۵] (هر کس جز اسلام دین دیگری برگزیند از وی پذیرفته نمی‌شود و او در آخرت از زیانکاران خواهد بود).

در پایان برای شما و همه‌ی کسانی که این پاسخ را می‌خوانند از خداوند متعال توفیق پیمودن راه درست و پیروی حق را خواهانم و از او مسالت دارم که من و شما را از هر بدی حفظ کند.